



حمایت

حمایت، اعمال و **نهادهای** حمایتی که هرچند در فقه به رسمیت شناخته نشده‌اند، اما در **جوامع اسلامی** پیشین مهم بودند.

فهرست مندرجات

- ۱ - واژه‌های مترادف حمایت
- ۲ - نقاط ضعف حمایت
- ۳ - سوء استفاده از حمایت
- ۴ - انواع موارد حمایت
 - ۴.۱ - حمایت از زمین
 - ۴.۲ - حمایت از شهر
- ۵ - مصارف مالیات‌های مأخوذ از حمایت
- ۶ - از بین رفتن حمایت
- ۷ - بکارگیری حمایت
 - ۷.۱ - در زمینه ادیان و آیین
 - ۷.۲ - در زمینه سیاست
- ۸ - نقش حمایت در فروپاشی دولت‌ها
- ۹ - نشانه‌های شخص حمایت شده نزد عرب‌های آفریقا
- ۱۰ - اسامی مختلف حامی
- ۱۱ - نحوه مختلف حمایت
 - ۱۱.۱ - درخواست حمایت برای پناهندگی
 - ۱۱.۲ - درخواست حمایت به صورت تهدید
 - ۱۱.۳ - طلب حمایت به شکل قربانی حیوانات
 - ۱۱.۴ - طلب حمایت به شکل پناه بردن به مقبره‌ها
- ۱۲ - حمایت‌های گروهی
- ۱۳ - فهرست منابع
- ۱۴ - پانویس
- ۱۵ - منبع

واژه‌های مترادف حمایت

این واژه مترادف **خَافِرَه** به کار رفته که به معنای حمایت و پشتیبانی یک **قبیله** کوچ‌نشین یا گروهی **صحرا** گرد از ساکنان ثابت یک منطقه یا **مسافران** است. [۱]

اصطلاح دیگری که تقریباً معادل حمایت به کار رفته، «**تَلَجُّنَه**» است. تلجنه در سه چهار قرن نخست هجری به عملی اطلاق می‌شد که در آن فردی که مقام و مرتبه اجتماعی پایین‌تری داشت دارای و اموال خویش را به فردی در مقام و جایگاه بالاتر، می‌سپرد. [۲] [۳] [۴] [۵] [۶]

شخص دون‌مرتبه همچنان **مالک قانونی اموال** خویش باقی می‌ماند، اما براساس توافق ضمنی، فرد برتر، در برابر **قدرت‌های** اجرایی و مقامات مالیاتی، پاسخگو بود.

هرچند شخص دون‌مرتبه به فرد برتر **دستمزد** می‌پرداخت، لیکن این کار برای وی همچنان مقرون به صرفه بود. حق دریافت دستمزد از امتیازات فرد برتر بود و حمایت، همچون **املاک** شخص، می‌توانست به **ارث** برسد. [۷]

نقاط ضعف حمایت

چون توافق طرفین تنها به صورت **ضمنی** بود، برای فرد حمایت شده غیرممکن می‌نمود که در برابر ادعای فرد برتر، در دفاتر **مالیاتی**، بتواند مالکیت خویش را به اثبات برساند.

سوء استفاده از حمایت

بنابراین حمایت، که گاه بر دیگران تحمیل می‌شد یا به عنوان روش بازپرداخت بدهی به کار می‌رفت، شیوه‌ای بود که افراد متنغد از آن برای گسترش املاک خویش بهره می‌بردند و مالکان اصلی **زمینها** در این میان **مضارعه** کارآنی بیش نبودند. [۸] [۹]

← حمایت از زمین

در کنار حمایت از زمین، نوع دیگری از حمایت رایج بود که در آن، حمایت از **محصولات کشاورزی** و **جاده‌های** یک منطقه در مقابل **دزدان** برعهده افراد متنفذ و قدرتمند نهاد می‌شد.

← حمایت از شهر

گاهی نیز حمایت از یک **شهر** بزرگ یا بخشی از آن به افرادی واگذار می‌شد و کلمه «حامی» در واقع برای رئیس **پلیس** شهر به کار می‌رفت. در همه این موارد، حامیان بابت حق پشتیبانی، مالیاتی به نام حمایت (رسم‌الحماية) می‌گرفتند. [۱۰] [۱۱] [۱۲] [۱۳]

مصارف مالیات‌های مأخوذ از حمایت

فقهای متقدم هدف از وضع این مالیات‌ها را تأمین هزینه‌های لازم برای ایجاد **نظم** عمومی دانسته‌اند. اشرافیت نظامی نوظهور در **قرن چهارم**، برای منافع خود، این نوع حمایت را توسعه داد.

از بین رفتن حمایت

با این حال از **قرن پنجم**، با گسترش **نظام اقطاع**، این گونه حمایت‌ها از میان رفت، هرچند **حکمرانان** کوچک محلی، همچنان به حمایت از پل‌ها و راه‌ها ادامه دادند.

بکارگیری حمایت

← در زمینه ادیان و آیین

فرانسه خود را حامی تمامی **کاتولیک‌ها** در **لوان** (شرق طالع، سرزمین‌های شرق **مدیترانه**) می‌دانست و **روسیه** نیز درباره همه **ارتدکس‌های** شرقی تابع سلطان عثمانی ادعای مشابهی داشت. پشتیبانی کنسولی برخی قدرتهای **اروپایی** از اقلیت‌های **یهودی** و **مسیحی** ساکن در قلمرو عثمانی نیز حمایت خوانده می‌شد.

← در زمینه سیاست

یکی از معانی متداول وازه حمایت در **خاورمیانه** (در **قرن سیزدهم** و **چهاردهم** / **نوزدهم** و **بیستم**)، پشتیبانی و حمایت سیاسی است. حمایت به معنای دقیق‌تر به قراردادهای دو جانبه‌ای اطلاق شد که در قرن دوازدهم و سیزدهم / **هجدهم** و نوزدهم میان دولت **انگلستان** و شیخ‌نشینهای ساحل غربی و جنوبی **خلیج فارس**، منعقد شد. در این قراردادها انگلستان متعهد می‌شد که از این امیرنشینها حمایت و امور خارجی آنها را رهبری کند و آنها نیز می‌بایست از دریازنی و **جنگ** با یکدیگر دست برمی‌داشتند بین انگلستان و حاکمان جنوب **عربستان** نیز این‌گونه توافقهای دوجانبه وجود داشت. این حاکمان متعهد می‌شدند که هیچ بخشی از قلمرو خویش را به قدرتی دیگر واگذار نکنند و بدون مشورت با انگلستان هیچ معاهده‌ای با قدرتهای دیگر منعقد نسازند و در عوض دولت انگلستان متعهد می‌شد از استقلال این حاکمان حمایت کند. برخلاف این حاکمان، حمایت انگلستان از مصر بر پایه فعالیت یک‌جانبه این کشور اروپایی پس از جنگ جهانی اول بود. در **افریقای شمالی**، به‌ویژه در **تونس** و **مراکش**، نوعی حمایت از طرف کشورهای چون فرانسه، انگلستان و **اسپانیا** اعمال می‌شد که درحقیقت حمایت یک نیروی مسیحی خارجی از اشخاص خاص و نیز حکومتها بود. حمایت‌شوندگان (چون کارمندان عالی‌رتبه، مترجمان، نگهبانان، **دلانان** (سمساران) و مباحران محلی)، بومیان **مسلمان** و یهودی بودند که در خدمت کنسولها و تاجر فرانسوی قرار داشتند. این افراد در کارهای خویش آزادی کامل داشتند. به‌علاوه، از عوارض و مالیات معاف بودند، می‌توانستند از گرفتار شدن در نظام قضایی بگریزند و در برابر اعمال مستبدانه و اخاذیهای خویش، حمایت می‌شدند و قدرتهای خارجی نیز با این حمایت، درصدد افزایش طرفداران سیاسی خود بودند.

نقش حمایت در فروپاشی دولت‌ها

افزایش تدریجی شمار افرادی که این‌گونه حمایت شدند و خودسری آنان در برابر حکومت، عامل مهمی در انحطاط دولتها، به‌ویژه در مراکش، گردید [۱۴] [۱۵] [۱۶] [۱۷] [۱۸] [۱۹] [۲۰] [۲۱]

نشانه‌های شخص حمایت شده نزد عرب‌های آفریقا

در میان **بربرها** و **عربهای** شمال آفریقا نیز صورتهایی از حمایت وجود داشت. نوعی حمایت زمانی بود که بیگانه‌ای (اغلب بازرگان) قصد داشت از محدوده یک **قبیله** عبور کند. وی خود را به فردی بانفوذ، که معمولاً از نوادگان **پیامبراکرم** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم (شریف) یا **صوفیان** بود، معرفی می‌کرد و این فرد در ازای دریافت مبلغی، یکی از خادمان خویش را به عنوان محافظ در اختیار وی قرار می‌داد. به‌علاوه، شینی چون **عصای** نوک تیز، **ردای** کلاه‌دار یا **تسبیح**، که نشان ویژه حامی بود، به فرد بیگانه داده می‌شد که به منزله گذرنامه برای عبور وی از میان قبایل بود.

این نوع حمایتها گاه شامل کاروانهای تجاری نیز می‌شد. [۲۲] [۲۳] رواج زیاد این‌گونه حمایت باعث شده بود که «تحت ویراق (چوب‌دستی) کسی قرار داشتن» به معنای تحت حمایت وی بودن، به کار رود.

در مراکش حامی را **آمور** (نیزه شکاری)، **کاسی** (لباس پوشیده)، **دُوَاز** (لنج‌بان) و **رِقَاد** (دفاع‌کننده) نیز می‌خواندند. کلمه بربری زَطَّاطَه/ رَطَّاطَه نیز، هم به حمایت گفته می‌شد و هم به **پولی** که در برابر حمایت می‌گرفتند. [۲۴] «عنایت» (توجه) نیز برای اشاره به حمایت به کار می‌رفت و «تحت عنایت کسی بودن» به معنای «تحت حمایت وی قرار گرفتن» بود.

نحوه مختلف حمایت

← درخواست حمایت برای پناهندگی

نوع دیگری از حمایت زمانی بود که فردی تهدید و ارباب می‌شد و از شخصیتی برجسته تقاضای کمک و پناهندگی می‌کرد. گاه مجرم ناچار می‌شد از قبیله خویش بگریزد تا از انتقام خانواده قربانی در امان بماند. وی متضرعانه و با پاهای عریان، در حالی که چاقویی بر دندان گرفته بود و دستپایش را از پشت به صورت متقاطع بسته بود، از حامی می‌خواست که وی را حمایت کند.

← درخواست حمایت به صورت تهدید

«عار» گونه‌ای دیگر از حمایت بود که در آن فرد **مظلوم** در مراسمی خاص و با تضرع و بیان جملاتی چون «عاری علیک» و «أنا فی عارک»، از حامی می‌خواست تا وساطت کند و به وضع آندوه‌بار وی خاتمه دهد. در واقع، مظلوم فرد حامی را به منتقل کردن عار خویش بر او، تهدید می‌کرد. فرد تهدید شده نمی‌توانست از حمایت مظلوم خودداری کند، زیرا در این صورت، رسوایی و بدنامی وی را در پی داشت.

← طلب حمایت به شکل قربانی حیوانات

در موارد حساس، مانند زمانی که فرد مغلوب از فاتحان طلب بخشش می‌کرد، تضرع و استغاثه معمولاً با قربانی کردن حیواناتی چون گاو، شتر و اسب همراه بود.

← طلب حمایت به شکل پناه بردن به مقبره‌ها

گاه نیز افراد تحت تعقیب یا حمایت‌خواه، به زاویه‌ها، که پیرامون **مقبره صوفیان** و **افراد مقدّس** ساخته شده بود، پناه می‌بردند. [۲۵]

حمایت‌های گروهی

حمایت‌های گروهی و قبیله‌ای نیز از قرن پنجم در میان عرب‌های شمال آفریقا رایج بود. برای نمونه، گروه **مَعْقِل** حمایت خویش را بر برخی از زنانه تحمیل کرده بودند و از آنها خراجی به نام **خَفاره** می‌گرفتند و پس از آن، تا قرن چهاردهم/ بیستم برخی قبایل دیگر از الگوهای آنها پیروی کردند. در میان قبایل شمال آفریقا نوعی حمایت دوجانبه نیز میان قبایل یا گروه‌های نژادی گوناگون مرسوم بود. در عهدهای حمایت که میان دو گروه نژادی بسته می‌شد، گاه پوشش‌هایی چون ردا و پاک‌افزار میان گروه‌ها رد و بدل می‌شد یا در مراسمی خاص، هریک از اعضای یک گروه، برادر خوانده اعضای گروه دیگر می‌شدند. ریشه بیشتر گونه‌های حمایت، در میان عرب‌های جاهلی بود و در **اسلام** نیز بسیاری از آنها نکوهش شد. اما این سخن بدان معنا نیست که همه این حمایت‌ها توسط فاتحان عرب به آفریقای شمالی راه یافته است، بلکه هر رویدادی مدیون تلاش‌های مستقل اما مشابه مردمانی است که می‌کوشیدند حداقل نظم و عدالت را در جوامع پراشوب خویش، برقرار سازند.

فهرست منابع

- (۱) ابن‌اثیر، الكامل فی التاریخ .
- (۲) ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون یا العبر.
- (۳) ابن‌منظور، لسان العرب.
- (۴) اصطخری.
- (۵) بلاذری (لیدن).
- (۶) پوشتنی بوعسریه، «مرکز الأرشیف الدیپلوماسی فی مدینة نانت فی فرنسا»، در وثائق عهدالحماية: رصدأولی، تنسیق ابراهیم بوطالب، رباط: کلیة الآداب و العلوم الانسانیة بالرباط، ۱۹۹۶.
- (۷) خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، قم ۱۴۰۵.
- (۸) محمد بن احمد خوارزمی، کتاب مفاتیح‌العلوم، چاپ فان‌فلوتن، لیدن ۱۸۹۵، چاپ افسست ۱۹۶۸.
- (۹) فیلیپ جورج راجرز، تاریخ العلاقات الانجلیزیة المغربیة حتی عام ۱۹۰۰، ترجمة و دراسة و تعليق یونان لیبیب رزق، دارالبیضاء ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
- (۱۰) طبری، تاریخ (بیروت).
- (۱۱) عبدالوهاب بن منصور، مشکلة الحماية القنصلیة بالمغرب من نشأتها الی مؤتمر مدیریة سنة ۱۸۸۰، رباط ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- (۱۲) محمد بن جعفر کتّانی، سلوة الانفاس و محادثة الاکیاس بمن اقبّر من العلماء و الصلحاء بفاس، چاپ عبدالله کامل کتّانی، حمزة بن محمد طیب کتّانی، و محمد حمزة بن علی کتّانی، دارالبیضاء ۲۰۰۴/۱۴۲۵.
- (۱۳) روزّه لوتورنو، فاس قبل الحماية، ترجمه الی العربیة محمد حجی و محمد اخضر، بیروت ۱۹۹۲/۱۴۱۲.
- (۱۴) ابونصر.

پانویس

- ↑ خلیل بن احمد، کتاب العین، ذیل «خفر»، چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرانی، قم ۱۴۰۵.
- ↑ ابن‌منظور، لسان العرب، ذیل «خفر».

٣. ↑ بلاذري (ليدن)، ج ١، ص ٢٩٤.
٤. ↑ بلاذري (ليدن)، ج ١، ص ٣٢٣.
٥. ↑ بلاذري (ليدن)، ج ١، ص ٣٢٩.
٦. ↑ محمد بن احمد خوارزمي، كتاب مفاتيح العلوم، ج ١، ص ٦٢، چاپ فانفلوتن، ليدين ١٨٩٥، چاپ افست ١٩٤٨.
٧. ↑ اصطخرى، ج ١، ص ١٥٨.
٨. ↑ بلاذري (ليدن)، ج ١، ص ٣١١.
٩. ↑ بلاذري (ليدن)، ج ١، ص ٣٢٩.
١٠. ↑ طبرى، تاريخ (بيروت)، ج ٨، ص ٥٥٢.
١١. ↑ ابن اثير، الكامل فى التاريخ، ج ٩ ص ١٢٤.
١٢. ↑ ابن اثير، الكامل فى التاريخ، ج ٩، ص ٤٣٧.
١٣. ↑ ابن خلدون، تاريخ ابن خلدون يا العبر، ج ٤، ص ٣٢٧.
١٤. ↑ عبدالوهاب بن منصور، مشكلة الحماية القنصلية بالمغرب من نشأتها الى مؤتمر مدريد سنة ١٨٨٠، ج ١، ص ٢٠٠-١٩٢، رباط ١٤٠٥/١٩٨٥.
١٥. ↑ بوشتى بوعسريه، «مركز الأرشيف الدبلوماسية فى مدينة نانط فى فرنسا»، ج ١، ص ٣٧-٣٦، در وثائق عهد الحماية: رصد أولى، تنسيق ابراهيم بوطالب، رباط: كلية الآداب و العلوم الانسانية بالرباط، ١٩٩٦.
١٦. ↑ فيليب جورج راجرز، تاريخ العلاقات الانجليزية المغربية حتى عام ١٩٠٠، ج ١، ص ٢٣٠، ترجمة و دراسة و تعليق يونان لبيب رزق، دارالبيضاء ١٤٠١/١٩٨١.
١٧. ↑ فيليب جورج راجرز، تاريخ العلاقات الانجليزية المغربية حتى عام ١٩٠٠، ترجمة و دراسة و تعليق يونان لبيب رزق، دارالبيضاء ١٤٠١/١٩٨١.
١٨. ↑ فيليب جورج راجرز، تاريخ العلاقات الانجليزية المغربية حتى عام ١٩٠٠، ترجمة و دراسة و تعليق يونان لبيب رزق، دارالبيضاء ١٤٠١/١٩٨١.
١٩. ↑ عبدالوهاب بن منصور، مشكلة الحماية القنصلية بالمغرب من نشأتها الى مؤتمر مدريد سنة ١٨٨٠، ج ١، ص ٨-٩، رباط ١٤٠٥/١٩٨٥.
٢٠. ↑ عبدالوهاب بن منصور، مشكلة الحماية القنصلية بالمغرب من نشأتها الى مؤتمر مدريد سنة ١٨٨٠، رباط ١٤٠٥/١٩٨٥.
٢١. ↑ ابونصر، ص ٢٨٩-٢٩٧.
٢٢. ↑ روزه لوتونو، فاس قبل الحماية، ج ١، ص ٥٩١-٥٩٢، ترجمه الى العربية محمد حجي و محمد اخضر، بيروت ١٤١٢/١٩٩٢.
٢٣. ↑ روزه لوتونو، فاس قبل الحماية، ج ١، ص ٤٠٠-٤٠١، ترجمه الى العربية محمد حجي و محمد اخضر، بيروت ١٤١٢/١٩٩٢.
٢٤. ↑ روزه لوتونو، فاس قبل الحماية، ج ١، ص ٤٠٠، ترجمه الى العربية محمد حجي و محمد اخضر، بيروت ١٤١٢/١٩٩٢.
٢٥. ↑ محمد بن جعفر كتّانى، سلوة الانفاس و محادثة الاكياس بمن اثير من العلماء و الصلحاء بفاس، ج ١، ص ٥٥-٥٦، چاپ عبداللّه كامل كتّانى، حمزة بن محمد طيب كتّانى، و محمد حمزة بن على كتّانى، دارالبيضاء ٢٠٠٤/١٤٢٥.

منبع

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «حمایت»، شماره ٦٥١٦.

رده‌های این صفحه : **واژه شناسی**